



The need to reproduce an efficient and participatory criminal policy to confront cryptocurrency crimes

Mashaallah Karimi¹, Fariba Asadi²

[Received: 2026/12/23 Accepted: 2026/07/16]

 10.22034/aqcr.2026.2068886.1089

Abstract

The rapid evolution of criminal patterns, particularly the emergence of cryptocurrency-based cybercrimes, has posed fundamental challenges to the efficacy and operational capacity of traditional criminal policies. Consequently, this study aims to elucidate the necessity of, and propose an efficient model for, an “integrated criminal policy.” This model seeks to address cryptocurrency-related offenses by leveraging the potential of non-governmental organizations and public participation, alongside conventional coercive measures. This study employs a descriptive-analytical approach, grounded in library research and the examination of online datasets. By analyzing the core tenets of criminal policy and restorative justice, the research seeks to establish a framework for interaction between governmental and civil society institutions, aiming to enhance economic security. The research findings indicate that reliance solely on executive (coercive) criminal policy is insufficient to effectively counter the technical complexities of cryptocurrency-related crimes. Therefore, the proposed model advocates for a “targeted integration” of both coercive and participatory tools. This approach aims to provide a systematic and preventive response by leveraging cutting-edge technologies and strengthening restorative justice frameworks, while simultaneously upholding human rights standards and respecting cultural imperatives. The effectiveness of criminal policy governing cyberspace depends on transitioning from centralized patterns to networked models. Such a shift is essential not only to prevent cryptocurrency-related crimes but also to ensure the economic security of citizens within the landscape of emerging technologies. Consequently, this study proposes that through the institutionalization of public participation and the fostering of synergy between governmental bodies and the private sector, a responsive and justice-oriented criminal policy can be formulated to address the complexities of cryptocurrency crimes.

Keyword: Integrated Criminal Policy, Restorative Justice, Cryptocurrency, Cybercrimes, Participatory Prevention.

Citation: Karimi, M. & Asadi, F. (2026). The need to reproduce an efficient and participatory criminal policy to confront cryptocurrency crimes. *Applied criminology research*, 4(12), 31-48.

https://www.qacr.ir/article_738796.html?lang=en

1. Director of the Family Research Center and Faculty Member of the Law Department, Ayatollah Boroujerdi University Boroujerd, Boroujerd, Iran (Corresponding Author). Email: Karimi@abru.ac.ir
2. Master's student in Criminal Law and Criminology, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran. Email: asadifariba725@gmail.com.



ضرورت بازتولید سیاست جنایی کارآمد و مشارکتی برای رویارویی با جرایم رمزارزها

ماشاله کریمی ✉، فریبا اسدی^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۲]

doi 10.22034/qacr.2026.2068886.1089

چکیده

دگرگونی‌های سریع در الگوهای بزهکاری، به‌ویژه پیدایش جرایم سایبری مبتنی بر رمزارزها، کارآمدی و اثرگذاری سیاست‌های جنایی سنتی را با چالش‌های بنیادین روبه‌رو ساخته است. بر این اساس، هدف این نوشتار تبیین ضرورت و ارائه الگویی کارآمد از «سیاست جنایی تلفیقی» است که با بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای غیرحاکمیتی و مشارکت عمومی، در کنار ابزارهای قهری، به مقابله با جرایم حوزه رمزارز بپردازد. نوشتار حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و داده‌های برخط و با تحلیل گزاره‌های سیاست جنایی و عدالت ترمیمی، در پی فراهم آوردن زمینه تعامل میان نهادهای حاکمیتی و مدنی جهت ارتقای امنیت اقتصادی است. نتایج پژوهش نشان از آن دارد که با تکیه صرف بر سیاست جنایی اجرایی (قهری) نمی‌توان با پیچیدگی‌های فنی جرایم رمزارزها رویارویی کرد. از این‌رو، مدل پیشنهادی نوشتار حاضر، بر پایه «تلفیق هدفمند» ابزارهای قهری و مشارکتی استوار است؛ به‌گونه‌ای بتوان که در کنار بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، موازین حقوق بشر و مقتضیات فرهنگی را پاسداشت و با تقویت رویکردهای عدالت ترمیمی، پاسخی نظام‌مند و پیشگیرانه ارائه داد. کارآمدسازی سیاست جنایی ناظر به فضای سایبری در گرو گذار از الگوهای متمرکز بر مدل‌های شبکه‌ای است، تا افزون بر پیشگیری از جرایم رمزارزی، امنیت اقتصادی شهروندان نیز در بستر فناوری‌های نوین تضمین شود. بر پایه این پیشنهاد می‌شود که با نهادینه‌سازی مشارکت عمومی و هم‌افزایی میان نهادهای دولتی و بخش خصوصی، می‌توان سیاست جنایی پاسخگو و عدالت‌محوری را در حوزه جرایم رمزارزها تدوین کرد.

کلیدواژه‌ها: سیاست جنایی تلفیقی، عدالت ترمیمی، رمزارز، جرایم سایبری، پیشگیری مشارکتی.

استناددهی: کریمی، ماشاله، و اسدی، فریبا. (۱۴۰۵). ضرورت بازتولید سیاست جنایی کارآمد و مشارکتی برای رویارویی با جرایم رمزارزها. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۴(۱۲)، ۳۱-۴۸.

https://www.qacr.ir/article_738796.html

۱. مدیر هسته خانواده پژوهی و عضو هیأت علمی گروه حقوق، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران. (نویسنده

مستول). رایانامه: Karimi@abru.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران.

رایانامه: asadifariba725@gmail.com

مقدمه

به دنبال رسمیت بخشی به ظهور و توسعه دارایی‌های دیجیتال و فناوری بلاکچین و قرار گرفتن اقتصاد بر پایه فناوری‌های نوین و دگرگونی‌های خیره‌کننده زیست‌جهان دیجیتال، به دلیل درنوردیده شدن مرزها، از کنترل و مالکیت دولت خارج شدن شبکه جهانی باز و بی‌طرف رمزارزها و خلق نوعی مالکیت خارج از نظارت دولت‌ها برای آزادی پولی و اقتصادی این پدیده در جهان پارادایم جدیدی از وجود انسان را تعیین می‌کنند، و با مختل سازی سیستم‌های سلسله مراتبی سنتی، ابعاد فیزیکی نوینی را شکل می‌دهند (Japparova & Rupeika- Apoga, 2017. p. 858)؛ زیرا پیدایش جابه‌جایی دارایی‌های یادشده که به نوبه خود ارزش محصولات فکری را افزایش می‌دهد و محرک شکل‌گیری ارزش‌هاست، نیازمند جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات لازم پیرامون ماهیت تغییر حقوق و تعهدات طرفین است که بر منافع آنها در مورد معامله تأثیر می‌گذارد (Saksonova & Kuzmina-Merlino, 2017).

از پیامدهای دیگر این پدیده آن است که الگوواره‌های (پارادایم‌ها) سنتی حقوق کیفری و مالی را با چالشی بنیادین روبه‌رو کرده است، بستری نوین و مناسب برای ارتکاب برخی جرایم مالی و سایبری مرتبط با رمزارزها فراهم آورده است؛ زیرا رمزارزها، ماهیتی غیرمتمرکز و فراملی دارند. از این‌رو، ابزاری پیچیده برای تحقق برخی رفتارهای مجرمانه چون: تحصیل مال از راه جعل تراکنش‌ها، کلاهبرداری با وعده سودهای کاذب و تحصیل مال از طریق پنهان‌سازی تراکنش‌ها، دستکاری در دستورالعمل‌های بلاکچین، استخراج غیرمجاز با بهره‌گیری از زیرساخت‌های انرژی و یا استفاده از این دارایی‌ها برای سفیدشویی و پنهان‌سازی منشأ غیرقانونی دارایی‌ها به‌شمار می‌روند (نبوی و دیگران، ۱۴۰۳، ص ۷۱۷؛ خسروی نوری‌نژاد، سلیمی و شریفی طرازکوهی، ۱۴۰۲، ص ۲۲۹۶).

از این‌رو، پدیده ساختاری یادشده، رویکرد کلی حاکمیت را نسبت به رمزدارایی‌ها، با چالش‌های مهمی چون ابهام در تعارض قوانین جاری و رویه قضایی، رابطه نهادهای متولی نظام اقتصادی با یکدیگر در حوزه رمزدارایی‌ها، نحوه مداخله و حدود صلاحیت نهادهای اقتصادی و غیراقتصادی، رویکرد حمایتی نسبت به مصرف‌کنندگان و مسائل مرتبط با زیرساخت‌های فنی، حقوقی، و اقتصادی، روبه‌رو کرده است (نبوی و دیگران، ۱۴۰۳، ص ۶۸۹). به بیان دیگر، این پدیده ساختاری، نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران را در سه سطح زیر با چالش‌های بنیادین، روبه‌رو کرده است: نخست؛ سطح ابزاری و فرآیندی که به‌دشواری در کشف، شناسایی، ردیابی دارایی‌های دیجیتال و تعیین صلاحیت قضایی می‌انجامد. دوم؛ سطح تقنینی که انطباق دقیق رفتار مجرمانه با قوانین و قواعد آمره موجود (مانند قانون مجازات اسلامی) را به چالش می‌کشد و سوم؛ سطح حاکمیتی که در آن اعمال قواعد تشدید یا تخفیف





مجازات مانند تعدد قربانیان، فعالیت در قالب باند سازمان‌یافته، یا اراده لطمه زدن به نظام اقتصادی را با پیچیدگی‌های فنی و ابهام‌آمیز همراه کرده است.

در این راستا نگاه حاکم بر تلاش‌های نهادهای حاکمیتی در مسیر سیاست‌گذاری کشور، نگاهی تک‌بعدی و علی‌الاصول بر پایه ابزارهای قهری بوده است و در این رویکرد بیش از آنکه بر هماهنگی راهبردی تأکید شود، تمرکز بر اقدامات پراکنده نظارتی مانند اقدامات بانک مرکزی و پلیس فتا بوده است که دستاورد این پراکندگی نهادهای متولی و نبود هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، به چالش کشیدن کارآمدی این نوع سیاست‌گذاری بوده است. به بیان دیگر تمرکز تنها بر سیاست جنایی اجرایی، بدون توجه به ظرفیت‌های نهادهای غیرحاکمیتی و مشارکت مدنی، به ناکارآمدی نظام کیفری در برابر تهدیدات نوین یادشده انجامیده است.

بر این اساس، پژوهش حاضر برخلاف مطالعات پیشین با تکیه بر تحلیل تطبیقی میان سیاست جنایی اجرایی و سیاست جنایی مشارکتی، در پی یافتن و ارائه راهکاری فراتر از اصلاحات شکلی و قانون در قالب الگویی تلفیقی و بومی، از طریق ترکیب ابزارهای قهری با رویکردهای نوین نظیر عدالت ترمیمی و مشارکت نهادهای مدنی، است تا کارآمدی نظام کیفری را در مواجهه با جرایم رمزارزها ارتقا یابد.

پیش از پرداختن به موضوع، آشنایی با برخی مفاهیم به شرح زیر ضروری است:

۱. مفهوم‌شناسی

در این بخش ابتدا به بررسی مفاهیم پایه پرداخته می‌شود تا ضمن شفاف‌سازی، زمینه‌ای مناسب برای تحلیل حقوقی و سیاست‌گذاری فراهم گردد.

۱-۱. رمزارز

رمزارز نوعی ارز دیجیتالی است که بر پایه مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های متوالی و با جزئیات کامل (الگوریتم‌ها) رمزگذاری شده و شگردهای (تکنیک‌ها) رمزگذاری برای تضمین امنیت استفاده از آن تولید می‌شود (Kaspersky Lab, 2026).

به سخن دیگر رمزارز مانند بیت‌کوین، هر نوع ارز دیجیتال و به‌طور معمول بدون مرجع صادرکننده یا تنظیم‌کننده مرکزی است که با بهره‌گیری از سیستم غیرمتمرکز ثبت تراکنش‌ها و مدیریت انتشار واحدهای نو بر پایه رمزنگاری بنا نهاده شده است تا از جعل و تراکنش‌های متقلبانه جلوگیری نماید (merriam-webster, 2026).

همچنین در تعریف اصطلاحی رمزارز گفته‌اند که رمزارز بدون وابستگی به مؤسسات مالی شکل رمزگذاری شده ارز دیجیتالی است که با بهره‌گیری از فناوری بلاکچین کار می‌کند و با



ثبت تراکنش‌های به هنگام انتقال ارز دیجیتال در دفتر کل، برای هر کس امکان دریافت و پرداخت را فراهم می‌سازد (Linda Rosencrance, 2026).

ناکاموتو این پروژه را به سیستم پرداخت الکترونیک مبتنی بر اثبات رمزنگاری به جای اعتماد توصیف می‌کند و توضیح می‌دهد که سیستم رمزنگاری به معنای تأیید تراکنش‌های پرداخت بر پایه اجماع گروهی است که در آن نیازی به حضور یا دخالت دولت یا مؤسسات مالی به عنوان اشخاص ثالث مورد اعتماد نیست (Satoshi Nakamoto, 2008).

با این حال گفتنی است که به طور معمول ممکن است بسیاری از افراد به اشتباه رمزارز و ارز مجازی را یکی بدانند و آن‌ها را به جای یکدیگر استفاده کنند، در حالی که مفهوم این دو کلمه متفاوت است.

زیرا که ارز مجازی گونه‌ای از ابزار مبادله است که از طریق برنامه‌های رایانه‌ای خلق و کنترل می‌شود و مانند ارز واقعی عمل می‌کند، (Bisinelli, 2018, p. 2) و گستردگی آن توانسته نیازهای مالی دنیا را تحت تأثیر قرار دهد (Frankel, 2018, p. 1). این در حالی است که رمزارزها گونه‌ای از ارزهای دیجیتالی هستند که تنها به صورت الکترونیکی می‌توان به آنها دسترسی داشت و به طور معمول تحت نظارت هیچ دولتی نیستند (2020 Frankenfield، پس با این اوصاف نمی‌توان هرگونه ارز دیجیتالی را ارز مجازی دانست. با این همه و با عنایت به این که از حیث فنی و اقتصادی، این ابزارهای نوین مالی و اشکال نوپدید پول دیجیتال فضای حقوقی و اقتصادی کشور را با چالش‌ها و فرصت‌هایی چند روبه‌رو ساخته‌اند. اما تاکنون تعریف رسمی و جامعی از رمزارز در ادبیات حقوقی ایران ارائه نشده است (منصورآبادی، ۱۴۰۳، ص ۱۳ به بعد).

۲-۱. سیاست جنایی

در تعریف جامع و مانع از دیدگاه حقوق خارجی و داخلی، سیاست جنایی به مجموعه تدابیر و روش‌هایی گفته می‌شود که دولت از آن‌ها برای رویارویی با پدیده مجرمانه بهره می‌گیرند. در این برداشت، سیاست جنایی معادل سیاست کیفری در نظر گرفته می‌شود و تمرکز آن بر اقدامات قهرآمیز و سرکوبگرانه‌ای است که به وسیله نهادهای دولتی در مواجهه با جرایم اعمال می‌گردد؛ در این نتیجه، توجه چندانی به پیشگیری از جرم و اصلاح و درمان مجرمین نشان نمی‌شود. از این رو، ضروری است سیاست جنایی را به راهبرد و برنامه‌ای برای مهار بزهکاری تعریف نمود که می‌تواند به صرف مبتنی بر سرکوب و یا همراه با تدابیر پیشگیرانه برای جلوگیری از وقوع جرم به کار گرفته شود (خدادوست و همکاران، ۱۳۹۹، ۳۴-۴۱).



اما برای دستیابی به چنین سیاستی، لازم است ایران هم مانند بسیاری از کشورهای دیگر، رویکرد بهره‌گیری از ظرفیت مشارکت جامعه مدنی را برای تدوین سیاست جنایی کارآمد و اجرایی، چه در مرحله تدوین و برنامه‌ریزی و چه در مرحله اجرا، مورد توجه قرار دهد (بیرانوند و سبزیان‌فرد، ۱۳۹۷، ص ۲). رویکردی که دیگر دولت‌ها با لحاظ نقش مؤثر مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در اشکال گوناگون کنترل جرم، اتخاذ کرده و با فاصله‌گیری از سیاست جنایی دولتی محض و رفتن به‌سوی سیاست جنایی مشارکتی به‌عنوان جلوه‌ای از حضور و مداخله مردم در مراحل مختلف کشف، تعقیب، داوری، اجرای حکم و نیز پیشگیری از بزهکاری، کلید خورده است (بیرانوند و سبزیان‌فرد، ۱۳۹۷، ص ۱۵)، تا یاری‌رسان نهاد عدالت کیفری و مجریان آن در حفظ و صیانت حقوق مردم و اجرای آن بیش از پیش باشد. بنابراین لازم است تا سیاست جنایی با تأکید بر رویکرد مشارکتی از طریق بازنگری در روابط ساختاری نهادهای ناظر قضائی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های غیررسمی و کم‌هزینه نهادهای غیررسمی، با نگاهی تعاملی و حمایت‌گر از سازمان مردم‌نهاد در این زمینه، مورد بازتعریف قرار گیرد (غمامی، ۱۳۹۷، ص ۷۷ و ۸۶).

بر این اساس و با عنایت به پیچیدگی پدیده‌های مجرمانه روزافزون و پیدایش اشکال نوین بزه و بزهکاری از یک‌سو و موفقیت و کارآیی نداشتن ابزارهای سنتی نظام حقوقی کیفری در کاهش و پیشگیری از جرایم و تخلفات از سوی دیگر؛ رویکرد مشارکت دادن هر چه وسیع‌تر مردم، تشکل‌های مردمی و نهادهای غیردولتی در تمام مراحل تدوین و اجرای سیاست جنایی؛ یعنی سطوح سه‌گانه پیش‌گفته (ابزاری و فرآیندی، تقنینی و بالاخره حاکمیتی) می‌تواند دولت را در پیشبرد اهداف سیاست جنایی مؤثر و کارآمد به‌پیش ببرد.

۳-۱. جرایم سایبری

در ادبیات حقوق کیفری نوین، تدقیق مفهوم «جرایم سایبری» به‌دلیل پویایی تکنولوژیک و ماهیت فراملی این جرایم، همواره با چالش‌های نظری همراه بوده است. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در نخستین تلاش‌های خود، این پدیده را ذیل «هرگونه اقدام غیرقانونی، غیراخلاقی یا غیرمجاز در فرآیند پردازش خودکار یا انتقال داده‌ها» صورت‌بندی کرده است (زیبر، ۱۳۹۰، ص ۱۸).

با این حال، کنوانسیون جرایم سایبری بوداپست (۲۰۰۱) به‌عنوان سند مرجع در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری- ترجیح داده است به‌جای ارائه یک تعریف مانع و جامع از ماهیت «جرایم سایبری»، با رویکردی کارکردگرایانه، مصادیق آن را در چهار دسته اصلی دسته‌بندی نماید:



الف) جرایم علیه محرمانگی، تمامیت و دسترس‌پذیری سیستم‌ها و داده‌های رایانه‌ای^۱؛

ب) جرایم مرتبط با رایانه^۲؛

پ) جرایم مرتبط با محتوا^۳؛

ت) جرایم مرتبط با نقض مالکیت معنوی حق نشر و حقوق مرتبط بر آن^۴.

با این وصف برخی در بیان تعریف اصطلاحی جرایم سایبری، آن را تعریف کرده‌اند به مجموعه رفتارهای مجرمانه‌ای که بستر ارتکاب، ابزار یا موضوع آن‌ها، فضای مجازی و زیرساخت‌های الکترونیک است و هدف نهایی آن، تزلزل در امنیت سیستم‌های پردازش اطلاعات و تمامیت داده‌هاست (رجبی تاج‌امیر، ۱۴۰۱، ۵-۶). به عبارت دقیق‌تر، این جرایم نه تنها شامل سوءاستفاده از سیستم‌های رایانه‌ای به منزله ابزار جرم هستند، بلکه ناظر بر نقض امنیت شبکه‌ها به عنوان بستر جرم نیز می‌باشند (رجبی، به نقل از برودهد، ۲۰۱۸؛ آدومی و ایگان، ۲۰۰۸؛ چن و همکاران، ۲۰۱۴).

با این همه همچنان چالش اصلی در دکترین حقوق سایبری، فقدان یک تعریف قانونی واحد و جهان‌شمول است؛ چنان‌که حتی کنوانسیون بوداپست نیز از ارائه تعریفی انتزاعی از این جرایم امتناع ورزیده است (ذبیح‌اله‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۱۴).

بر این اساس، ماهیت «فراگیر و فرامرزی» فضای سایبری، ضرورت گذار از مقررات‌گذاری ملی به سوی یک «نظام حقوقی بین‌المللی» با ایجاد تعهدات عام‌الشمول را یادآور می‌کند که در حال حاضر سازمان ملل متحد تنها مرجعی است که می‌تواند با در نظر گرفتن تنوعات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، قابلیت الزام‌آوری در گستره جهانی را در این زمینه ایجاد کند. پس از روشن‌سازی مفاهیم بنیادین اکنون زمینه برای ورود به بحث اصلی فراهم می‌شود. در ادامه، به منظور تحلیل عمیق‌تر موضوع، دو رویکرد اساسی سیاست جنایی یعنی سیاست جنایی اجرایی و سیاست جنایی مشارکتی مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ زیرا که این دو رویکرد با شناخت ویژگی‌ها، مزایا و چالش‌های هر کدام از آن‌ها، نقشی تعیین‌کننده در نحوه پیشگیری، کنترل و پاسخ به جرایم دارد و می‌تواند گامی ضروری برای دستیابی به الگوی کارآمد و تلفیقی در نظام سیاست جنایی ایران به‌ویژه در رویارویی با جرایم نوین رمزارزی باشد.

۲. بایستگی بازتولید سیاست جنایی کارآمد برای رویارویی با جرایم رمزارزها

تدوین چارچوب قانونی جامع و روزآمد، رکن رکن سیاست جنایی تقنینی در رویارویی با جرایم حوزه رمزارزهاست؛ اما ابهام در تعریف قانونی ماهیت رمزارزها و احصاء رفتارها و

1. Offences against the confidentiality, integrity and availability of computer data and systems
2. Computer-related offences
3. Content-related offences
4. Offences related to infringement of copyright, and related rights



عناوین مجرمانه مرتبط با آن، موجب بروز «خلأ تقنینی» و به تبع آن، بی‌کیفرماندن شمار فراوانی از کنش‌های مجرمانه در فضای سایبر شده است (فرزانه کندری و دیگران، ۱۴۰۳، ص ۱۹۳). از سوی دیگر، ماهیت پویای فناوری بلاکچین و رمزارزها و فراوانی روزافزون ابزارهای مالی مبتنی بر آن که هر روزه پیچیده‌تر و متنوع‌تر می‌شوند، همگونی قوانین کیفری کلاسیک را که مبتنی بر ارکان مادی سنتی است، با چالش‌های بنیادین روبه‌رو ساخته است (خورشیدی و دیگران، ۱۴۰۴، ص ۲۴).

۲-۱. بازتعریف اصولی و روزآمد عناوین مجرمانه و مجازات‌های متناسب و بازدارنده

بازبینی سیاست جنایی موجود و هماهنگ‌سازی آن با ویژگی‌های فنی - حقوقی نوین، از جمله رعایت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، ضرورتی گریزناپذیر است؛ زیرا که سرعت بسیار بالای دگرگونی و تنوع فناوری‌هایی چون: قراردادهای هوشمند، کیف پول‌های دیجیتال و سیستم‌های مالی غیرمتمرکز، در کنار ویژگی‌هایی چون ناشناسی هویت و فراسرزمینی بودن بستر ارتکاب، کارآمدی ابزارهای نظارتی سنتی را به کلی مخدوش ساخته است. هم‌چنین چالش تعیین ماهیت حقوقی رمزارز (به‌عنوان کالا، اوراق بهادار یا ارز) و خلأ وجود تعاریف شفاف نسبت به جرایمی مثل کلاهبرداری رایانه‌ای، پول‌شویی دیجیتال، سرقت سایبری و جعل داده‌ها، تأثیر مستقیمی بر چگونگی جرم‌انگاری رفتارهای یادشده و از آن مهم‌تر، سازوکارهای تأمین کیفری شامل «ضبط و مصادره دارایی‌های ناشی از جرم» گذاشته است. به سخن دیگر، فقدان وحدت رویه در خصوص ماهیت این دارایی‌ها، تحلیل سیاست جنایی اجرایی را در خصوص صلاحیت قضایی و نحوه توقیف ادله دیجیتال را دچار پیچیدگی‌های دادرسی نموده است (Arner et al., 2017, pp. 382, 389) و در نتیجه به سردرگمی قضایی و تفاسیر مضیق یا موسع نادرست در مراجع رسیدگی‌کننده انجامیده است. از این‌رو پیش‌شرط گذار به سیاست جنایی واکنشی کارآمد، ارائه تعاریف دقیق حقوقی از جرایم رمزارزهاست (موحدی‌راد، ۱۴۰۵، ص ۱۵۲). البته تدوین سازوکارهای قانونی برای شناسایی، توقیف و ضبط دارایی‌های دیجیتال باید با رعایت صیانت از حقوق رقومی شهروندان باشد.

بنابراین در ساحت سیاست جنایی اجرایی، ایجاد بازدارندگی بهینه در گرو تناسب‌سنجی کیفر با بزهکاری‌های سایبری است؛ به گونه‌ای که با کیفرگذاری هوشمند باید بتوان ضمن پرهیز از سخت‌گیری‌های نامتوازن، جلوی سوءاستفاده‌های احتمالی از نبود قانون را گرفت. در بُعد کارکردی نیز، تقویت بازوی تخصصی پلیس سایبر، توسعه ابزارهای تحلیل بلاکچین و ارتقای سازوکارهای معاضدت قضایی بین‌المللی، نیز از ارکان گریزناپذیر سیاست جنایی نوین است.



با این همه، اتکای محض به واکنش کیفری پسینی، راهبردی ناکارآمد است و به طور حتم لازم است تدوین یک سیاست جنایی پیشگیرانه (مدل کیفری پیش‌دستانه) مثل بهره‌گیری از قراردادهای هوشمند با هدف پایش تراکنش‌ها، توسعه سازوکارهای خود انتظامی در گستره بلاکچین و بالا بردن سواد مالی - دیجیتال کاربران و... در اولویت قرار گیرد.

۲-۲. بایستگی ارتقای سازوکارهای اجرایی و تقویت ظرفیت‌های نهادی

یکی از ارکان بنیادین در تدوین سیاست جنایی کارآمد برای رویارویی با پدیده مجرمانه رمزارزها، بازنگری در ساختار سازوکارهای اجرایی و ارتقای ظرفیت‌های نهادی است. در وضعیت کنونی، سیستم عدالت کیفری در مبارزه با جرایم سایبری و به‌ویژه جرایم حوزه رمزارز، با شکاف مشهود میان «ماهیت فنی جرم» و «ابزارهای سنتی کشف و تعقیب» روبه‌رو می‌باشد. بنابراین نهادهای قضایی و انتظامی، به دلیل نقصان در زیرساخت‌های فناورانه، تجهیزات تخصصی و نیروی انسانی دانش‌محور، در تبیین استراتژی‌های پیشگیرانه و سرکوبگرانه دچار چالش‌های اساسی هستند (کوچی و داودی، ۱۳۹۴، ص ۷۱).

لذا ماهیت فناورانه و فرامرزی این جرایم، مستلزم گذار از مدل‌های سنتی واکنش کیفری به سمت نهادهای فناورانه عدالت کیفری است. در همین راستا، تحقق کارآمدی در سیاست جنایی اجرایی، منوط به تحقق مؤلفه‌های بنیادین ذیل است:

الف) تربیت و توسعه سرمایه انسانی متخصص و فنی مثل قضات، کارشناسان رسمی و ضابطان قضایی (پلیس فتا) هم‌زمان با ارتقای سطح دانش آنان از طریق آموزش‌های مستمر و تخصصی در حوزه‌های بلاکچین، تحلیل‌گری داده‌های رمزنگاری‌شده و شیوه‌های نوین ارتکاب جرم سایبری؛ زیرا بی‌توجهی به این امری، نظام عدالت کیفری را در شناسایی و تعقیب مرتکبان برای استیفای حقوق بزه‌دیدگان دچار فروپاشی کارکردی خواهد کرد (رجبی تاج‌امیر، ۱۴۰۱، ص ۱۱).

ب) هم‌افزایی نهادی و فناورانه از طریق به‌کارگیری فناوری‌های نوین؛ مانند هوش مصنوعی، تحلیل کلان‌داده‌ها و ابزارهای ردیابی تراکنش‌های دیجیتال که پیش‌شرط گریزناپذیر برای ارتقای دقت و سرعت در کشف علمی جرم است. البته این مهم تنها از طریق تعامل ساختارمند میان ضابطان قضایی، مجامع دانشگاهی و بخش خصوصی و عمومی محقق می‌گردد (خورشیدی کیاسری و همکاران، ۱۴۰۵، ص ۲۵).

ج) تحکیم همکاری‌های بین‌المللی از طریق گسترش تعاملات بین‌المللی در قالب معاهدات دو یا چندجانبه، تسهیل استرداد مجرمان و همگرایی در پروتکل‌های تبادل اطلاعات برای



تحقق مبارزه اثربخش با ماهیت فراسرزمینی جرایم رمزارزی و بهره‌گیری مجرمان از پلتفرم‌های جهانی (همان، ۳۱).

در نهایت، تأسیس واحدهای تخصصی سایبری در دادسراها و دادگاه‌ها با ترکیب تیمی از کارشناسان فناوری اطلاعات و حقوق‌دانان کیفری، گامی راهبردی در جهت تخصصی‌سازی رسیدگی‌ها و تضمین رعایت حقوق شهروندی در رویارویی با پیچیدگی‌های این حوزه و یکی از زمینه‌های دستیابی به سیاست جنایی کارآمد و مشارکتی است.

۳. بایستگی هم‌افزایی جمعی در سیاست جنایی مشارکتی با رویکرد پیشگیری اجتماعی از جرم

تمایز ماهیت جرایم حوزه رمزارزها، به دلیل پیوند عمیق با فناوری‌های نوین و مؤلفه‌های پیچیده اجتماعی-اقتصادی، اقتضا می‌کند که رویکردهای پیشگیرانه به سمت «سیاست‌گذاری جامع» سوق یابند. در این چارچوب، اتکای صرف به ابزارهای تقنینی و تدابیر قهری، نه تنها پاسخگوی چالش‌های پیش‌رو نیست؛ بلکه ممکن است با ایجاد آثار جانبی نامطلوب، اثربخشی عدالت کیفری را هم مخدوش سازد. از این‌رو، گذار از مدل‌های سنتی به «سیاست جنایی مشارکتی»، با محوریت تلفیق اقدامات قهری با برنامه‌های آموزشی، فرهنگ‌سازی، ارتقای آگاهی‌های عمومی و توانمندسازی نهادهای مدنی، یک ضرورت راهبردی برای تضمین کارآمدی دستگاه عدالت است (فهیمی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲ و ۱۰۹؛ مدنیت، ۱۴۰۵). بر این اساس، چارچوب‌های عملیاتی جهت بازتولید سیاست جنایی یادشده به شرح زیر تبیین می‌گردد:

۳-۱. راهکارهای تحقق سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری از جرایم رمزارزی

تلفیق الگوواره‌های (پارادایم) سیاست جنایی مشارکتی با راهبردهای پیشگیرانه، مشتمل بر: الف) آموزش و ارتقای سواد عمومی در حوزه رمزارزها؛ ب) تقویت نقش‌آفرینی نهادهای مدنی در فرایند نظارت همگانی؛ پ) پیاده‌سازی برنامه‌های پیشگیری اجتماعی و اقتصادی؛ و ت) حمایت‌گری از بزه‌دیدگان و بسترسازی برای بازتوانی آنان، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. زیرا چنین رویکردی، ضمن تعدیل پیامدهای جرم‌زای کیفرگرایی افراطی، به بازسازی و تقویت سرمایه اجتماعی می‌انجامد.

در این راستا، تحقق چشم‌انداز پیشگیرانه در گرو افزایش سطح دانش عمومی نسبت به مزایا و خطرات قلمرو رمزارزها، شناسایی الگوهای کلاهبرداری و افزایش تاب‌آوری در فضای سایبری است. روشن است که نهادهای سازش این آموزش‌ها از طریق تعامل میان رسانه‌ها، نظام آموزشی و مراکز فرهنگی، نقشی کلیدی در کاهش نرخ وقوع جرم خواهد داشت (فهیمی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵؛ دشتی و افشاری، ۱۳۹۸، ص ۸۳).



از سوی دیگر، ظرفیت نهادهای مدنی در عرصه‌های دیده‌بانی، گزارش‌دهی و مشارکت در عدالت ترمیمی، سبب ارتقای حساسیت اجتماعی و کاهش و از بین رفتن بسترهای پیدایش جرم می‌گردد (فهیمی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲). افزون بر این، کارآمدی سیاست جنایی مشارکتی در گرو تمرکز بر ریشه‌کنی علل ساختاری جرایم رمزارزی، از جمله فقر، بیکاری و شکاف‌های زیرساختی در حوزه فناوری است تا از راه مدیریت زمینه‌های جرم‌زا، چرخه ارتکاب جرم گسسته شود. سرانجام، تدوین برنامه‌های جامع برای حمایت از بزه‌دیدگان و بازتوانی آنان، به عنوان مؤلفه‌ای اساسی در سیاست جنایی مشارکتی، افزون بر کاهش آسیب‌های ناشی از جرم، مانعی در برابر تکرار جرم به‌شمار می‌رود (رضایی نیک‌آبادی، ۱۴۰۲، ص ۱۷۴).

فرجام سخن آنکه با عنایت به گسترش شتابان و خیره‌کننده فناوری‌های نوین، رویارویی مؤثر با بزهکاری سایبری نیازمند رویکردی فراتر از تقنین قهری سستی است. از این‌رو، بایسته است سیاست جنایی مشارکتی با تأکید بر نقش‌محوری جامعه و کنشگران غیردولتی و هدف بالا بردن سطح پیشگیری از جرایم مرتبط با رمزارزها به‌عنوان یک راهبرد نوین، باز طراحی شود.

۲-۳. سازوکارهای تقویت سیاست جنایی مشارکتی در پیشگیری از جرایم رمزارزی

از جمله چالش‌های بنیادین الگوی کنونی سیاست جنایی، کاهش سرمایه اجتماعی و تضعیف اعتماد عمومی به دستگاه‌های عدالت کیفری است که به‌طور عمده برآمده از رویکردهای تمرکزگرا و تقنین سخت‌گیرانه است. در مقابل، «سیاست جنایی مشارکتی» با گشودن راه‌های تعاملی و بسیج کنشگران اجتماعی، تلاش دارد تا اعتماد عمومی و ارتقای مشروعیت نظام کیفری بازسازی شود؛ زیرا که مشارکت‌جویی عمومی در این فرایند، امکان هماهنگی سیاست‌های مبارزه با جرم را با مقتضیات و واقعیت‌های بومی فراهم آورده و به افزایش ضریب پذیرش اجتماعی می‌انجامد. در این راستا، مداخله نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند سیاست‌گذاری و نظارت بر اجرا، ضمن تضمین شفافیت، مانع از انحراف از اهداف عادلانه و تعمیق تعامل میان کارگزاران دولتی و واقعیت‌های اجتماعی می‌شود (فهیمی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶ و ۱۰۹). افزون بر این، افزایش آگاهی و مسئولیت‌پذیری شهروندان که از دستاوردهای گریزناپذیر سیاست مشارکتی است، به کنترل بزهکاری‌های خرد و اجتماعی از طریق دیده‌بانی و همکاری نظام‌مند با نهادهای رسمی، کمک شایانی می‌کند (مرندي، ۱۴۰۰، ص ۲۲۹).

بر این اساس، تحقق الگوی مشارکتی جامعه‌مدار با ارکان سه‌گانه زیر: الف) بازشناسی دقیق عوامل اجتماعی- فرهنگی جرم‌زا؛ ب) بهینه‌سازی بهره‌وری از منابع عمومی؛ پ) مهار آثار



سوء ناشی از تمرکزگرایی مفرط در ابزارهای قهری، متمرکز بر اولویت رفع علل ساختاری بزهکاری مانند: فقر، شکاف‌های طبقاتی و فقر آموزشی و فرهنگی است؛ چرا که غفلت از ریشه‌های بنیادین جرم و ابقای چرخه معیوب تکرار جرم محبوبیت و کارآمدی سیاست جنایی قهرآمیز را می‌کاهد (فهیمی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷).

به سخن دیگر در این الگو از سیاست جنایی «سرمایه اجتماعی» به عنوان شبکه‌ای از اعتماد و همکاری، دارای نقشی بازدارنده است به گونه‌ای که با تقویت آن، زمینه‌های کج‌روی را کاسته می‌شوند. افزون بر آن، برنامه‌های ترویجی در قالب سیاست مشارکتی، به درونی‌سازی فرهنگ قانون‌مداری و بالا رفتن حس مسئولیت اجتماعی می‌انجامد (مرندی، ۱۴۰۰، ص ۲۲۸). هم‌چنین از دیدگاه اقتصادی نیز، سیاست جنایی مشارکتی با بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های مدنی و نهادهای محلی، امکان تخصیص بهینه منابع و کاهش هزینه‌های تحمیلی به دستگاه‌های رسمی را فراهم می‌آورد.

سخن آخر این‌که با مشارکت نهادهای محلی و سازمان‌های غیردولتی در حوزه‌های آموزش و مشاوره، از بار وظایف نهادهای رسمی کاسته می‌شود و انعطاف‌پذیری نظام عدالت در مبارزه با جرایم نوین؛ مانند رمزارزها، افزایش می‌یابد؛ چرا که کنشگران غیررسمی، به عنوان حلقه‌های وصل و منابع داده‌ای، دارای قابلیت دیده‌بانی و انتقال سریع اطلاعات به مراجع ذی‌صلاح هستند (فهیمی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶؛ مرندی، ۱۴۰۰، ص ۲). بنابراین روشن است که اتکای صرف به مدل‌های اجرایی - قهری، افزون بر نادیده گرفتن احتمالی حقوق شهروندی و برانگیختن نارضایتی عمومی، کارایی مبارزه با جرم را نیز کاهش می‌دهد. از این‌رو، بازتولید سیاست جنایی مشارکتی با گسترش نقش جامعه در فرایندهای قضایی و تمرکز بر عدالت ترمیمی، ضمن پاسداشت نظم عمومی و کاستن از تبعات منفی رویکردهای اقتدارگرایانه، موجب صیانت از حقوق بزه‌دیدگان، ترمیم آسیب‌های اجتماعی، توزیع مسئولیت‌ها، شفاف‌سازی، پاسخگویی و پیشگیری پایدار از جرم خواهد شد.

۴. بایستگی استقرار سیاست جنایی مشارکتی در حوزه رمزارزها بر مدار تضمینات حقوق بشری

عدم همگرایی نظام‌های حقوقی برای مبارزه جرایم سایبری از جمله رمزارزها با عنایت به ماهیت فراملی آن‌ها به‌ویژه در ساحت‌های پیشگیری، کشف، تعقیب و معاضدت قضایی، ضرورت بازنگری در الگوهای سنتی و گذار به سمت سیاست جنایی مشارکتی را بیش از پیش نمایان ساخته است (رجبی تاج‌امیر، ۱۴۰۱، ص ۹). در این راستا، استقرار چنین سیاستی در نظام حقوقی ایران، مشروط به پایبندی دقیق به موازین حقوق بشر و تضمینات عدالت کیفری

است؛ امری که می‌تواند مانع از نقدپذیری رویکردهای سخت‌گیرانه و کاهش سرمایه اجتماعی نهاد عدالت کیفری گردد (قلعه سلیمی، ۱۴۰۱، ص ۲۸۹؛ تاج‌لنگرودی و دهدار، ۱۴۰۳، ص ۱۰۲).

در همین راستا، سیاست جنایی مشارکتی برای مبارزه با جرایم رمزارز، بایستی بر محورهای کلیدی زیر متمرکز گردد:

(الف) صیانت از حقوق بنیادین مرتکبان، بزه‌دیدگان و جامعه؛

(ب) تضمین دادرسی عادلانه و اصل حق دفاع؛

(پ) پیشگیری از بازداشت‌های خودسرانه و ممانعت از اعمال قهری بی‌ضابطه؛

(ت) تحقق شفافیت و پاسخگویی نهادی؛

(ث) انطباق با استانداردهای حقوق بشری بین‌المللی.

در واقع، این رویکرد کنش‌گرایانه، تعادلی میان «امنیت اجتماعی» و «آزادی‌های فردی» برقرار می‌سازد؛ چراکه با تأکید بر کرامت انسانی، منع تبعیض و تسهیل دسترسی به عدالت، مشروعیت نظام قضایی را تقویت نموده و موجب ارتقای مشارکت مدنی در فرایندهای قانونی می‌گردد.

در نهایت، پایبندی به اصول حقوق بشر در سیاست جنایی مشارکتی، (۱) موجب ایجاد ساختاری پاسخگو و قابل اعتماد؛ (۲) پیشگیری از مغفول ماندن این حقوق در برابر تمایلات احتمالی به مجازات سریع و سخت‌گیرانه؛ (۳) سوءاستفاده از قدرت و بازداشت‌های بدون ضابطه؛ (۴) پاسخگویی دولت و نهادهای قضایی در قبال شفافیت عملکردشان در همه مراحل اجرا؛ (۵) هماهنگ‌سازی معیارهای سیاست‌های جنایی مشارکتی با استانداردهای بین‌المللی و جلوگیری از انتقادات و فشارهای حقوقی و سیاسی بین‌المللی، با عنایت پیوستن کشور ایران به معاهدات بین‌المللی حقوق بشر؛ (۶) بالا بردن رضایتمندی داخلی از سطح عدالت و امنیت قضایی خواهد شد.

۵. بایستگی استقرار الگوی سیاست جنایی مشارکتی برای مبارزه با جرایم رمزارزها

طراحی و تدوین الگوی مطلوب سیاست جنایی برای رویارویی با جرایم نوپدید رمزارزها، در گرو گذار از رویکردهای قهرآمیز و آمرانه به سمت سیاست جنایی مشارکتی است. به‌گونه‌ای که این الگوی تلفیقی با هدف ایجاد هم‌افزایی میان کنشگران حاکمیتی (دولت) و نهادهای مدنی (جامعه)، به دنبال افزایش اثربخشی پاسخ‌های کیفری و پیشگیرانه است.





۵-۱. تقسیم کار کارکردی میان نهادهای حاکمیتی و مدنی

در این چارچوب، وظایف نهادهای حاکمیتی ناظر به دو ساحت «تقنینی» و «فنی- نظارتی» است. به‌گونه‌ای که دولت موظف است افزون بر تدوین چارچوب‌های قانونی منعطف و روزآمد، زیرساخت‌های لازم برای پایش دقیق تراکنش‌ها و توسعه فناوری‌های تحلیل بلاکچین را نیز با هدف رصد و کشف جرایم سایبری فراهم آورد (فهیمی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۹).

در مقابل، نقش محوری نهادهای مدنی به‌عنوان بازوان اجتماعی سیاست جنایی، بالا بردن تاب‌آوری سایبری جامعه است. به‌گونه‌ای که تمرکز مسئولیت‌پذیری این نهادها بر محورهای زیر: (۱) آموزش و آگاهی‌بخشی؛ (۲) فرهنگ‌سازی در باب مبادلات مسئولانه؛ (۳) ایجاد شبکه‌های مردم‌نهاد گزارش‌دهی، از اهم مؤلفه‌های کلیدی پیشگیری اجتماعی از جرم به‌شمار می‌رود. بر این اساس، نهادهای مدنی با ایفای نقش دیده‌بانی و حمایت از بزه‌دیدگان، نواقص احتمالی در فرآیندهای رسمی پیشگیری را برطرف می‌کنند.

۵-۲. سازوکارهای هم‌افزایی و یکپارچه‌سازی عملکرد

ایجاد شوراهای هماهنگی سیاست جنایی در سطوح ملی و محلی و بهره‌گیری از زیرساخت‌های فنی مشترک؛ مانند سامانه‌های داده‌کاوی یکپارچه، با هدف جلوگیری از موازی‌کاری‌های اداری، در گرو استمرار تعامل میان حاکمیت و جامعه، برای نهادینه‌سازی راه‌های ارتباطی رسمی است تا از این طریق، بستر تبادل اطلاعات میان نهادهای مسئول و جامعه مدنی فراهم گردد (بیرانوند و سبزیانفرد، ۱۳۹۷، ص ۲؛ سلیمی، ۱۴۰۱، ص ۲۷۳).

۵-۳. استقلال نهادهای مدنی و نظارت اجتماعی

حفظ استقلال ساختاری نهادهای مدنی، لازمه موفقیت الگوی سیاست جنایی مشارکتی است. به این معنا استقلال نه‌تنها متضمن نقش نظارتی جامعه بر عملکرد دستگاه‌های دولتی و کاهش ریسک فساد سیستمی است، بلکه با افزایش سرمایه اجتماعی، زمینه مشارکت واقعی جامعه در فرآیندهای سیاست‌گذاری نیز تسهیل می‌شود. به‌گونه‌ای که در این مدل، نهادهای مدنی افزون بر اجرای برنامه‌های دولتی به‌عنوان نهادهای مشورتی و اصلاح‌گر نیز در فرآیند تقنین و اجرای سیاست جنایی نقش‌آفرینی می‌کنند (بیرانوند و سبزیانفرد، ۱۳۹۷، ص ۲۲).

در آخر این‌که چندلایگی الگوی تلفیقی سیاست جنایی در حوزه رمزارزها، به پیوند خوردن سیاست جنایی اقتداری با مشارکت‌جویی اجتماعی می‌انجامد. به سخن دیگر در این رویکرد بالا رفتن توانمندی‌های فنی و حقوقی دولت متکی به ظرفیت‌های پیشگیرانه اجتماعی، بستری پایدار برای مدیریت جرایم سایبری فراهم می‌آورد. از این‌رو، چنین الگویی، با توجه به ماهیت

سیال و پیچیده جرایم نوین، می‌تواند به‌عنوان مدلی پیش‌رو و قابل تعمیم برای بازنگری در سیاست‌های جنایی دیگر حوزه‌های نوپدید به‌شمار رود.

نتیجه‌گیری

مطالعه تحلیلی دکرین سیاست جنایی تقنینی- اجرایی قهری و بدون مشارکت ظرفیت مدنی، گویای این واقعیت است که هیچ‌یک از این رویکردها به‌تنهایی کارآمدی لازم و کافی را برای مبارزه با پیچیدگی‌های بزهکاری مدرن ندارند. به سخن دیگر هرچند سیاست جنایی اجرایی متکی بر الگوی اقتدارگرایی با واکنش‌های سرکوبگرانه و کیفرگرایی حداکثری، کارکردهایی را در برخی حوزه‌ها مثل جرایم سازمان‌یافته و امنیت ملی به‌دنبال داشته باشد، اما در کنار آن باید کاهش استانداردهای حقوق بشری و عملکرد ضعیف سازوکارهای نظارتی را هم به‌عنوان بخشی از ره‌آوردهای این‌گونه از سیاست جنایی به‌شمار آورد. در مقابل، رویکرد مدل سیاست جنایی مشارکتی متکی به بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی و مبانی نظری مستحکم است که هدف‌گذاری آن مشروعیت‌بخشی به مدل طراحی‌شده سیاست جنایی و کارکرد نهاد عدالت کیفری و تقویت آن است. با این‌همه تحقق سیاست جنایی مشارکتی به‌دلیل فقدان زیرساخت‌های تقنینی صریح، ناکارآمدی در تخصیص منابع و چالش‌های تعاملی میان‌سازمانی، در مرحله گذار از نظریه به عمل با موانع جدی روبه‌رو می‌باشد.

از این‌رو، با عنایت به تحلیل آسیب‌شناسی یادشده، راه برون‌رفت از بن‌بست تقابلی «امنیت‌محوری» و «جامعه‌محوری»، در گرو گذار از وضعیت کنونی به الگویی مبتنی بر «سیاست جنایی تلفیقی» است. مدلی که با هدف بهره‌برداری از هم‌افزایی ظرفیت اقتدار حاکمیتی و ظرفیت نهادهای مدنی، بر مؤلفه‌هایی چون: تقویت عدالت ترمیمی، ارتقای نظارت‌پذیری نهادهای انتظامی- قضایی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در پیشگیری موقعیت‌مدار استوار است.

با این حال، لازمه تبیین و تقنین این مدل تلفیقی، بازنگری کلان در سیاست‌گذاری‌های جنایی است تا با لحاظ مقتضیات بومی و ساختارهای اجتماعی ایران، تعادلی میان «کارآمدی قهری سیاست کیفری» و «مقبولیت مشارکتی سیاست جنایی» برقرار کند؛ زیرا تنها از راه چنین رویکردی، نظام عدالت کیفری می‌تواند از یک نهاد اقتدارگرا به نهادی پاسخگو، بازدارنده و عدالت‌محور در تراز استانداردهای نوین حقوقی ارتقا یابد.



پیشنهادهای

۱. الگویی تلفیقی از سیاست جنایی مشارکتی با رویکرد پیشگیرانه و پاسخگویی به جرم، با هدف حفظ اقتدار و حاکمیت نهادهای رسمی (قضایی و انتظامی)، جایگاه حقوقی و ظرفیت‌های عملیاتی نهادهای مدنی. طراحی، تدوین و تصویب گردد.
۲. تمرکز طراحی سازوکارهای عملیاتی الگوی پیش‌گفته باید بر عدالت ترمیمی باشد به‌گونه‌ای که فراهم‌سازی زمینه مشارکت فعال قربانیان و بزه‌کاران در فرایند تحقق سیاست جنایی مشارکتی به بازسازی اجتماعی و کاهش نرخ بازگشت به جرم بینجامد.
۳. لازمه دستیابی بهتر به اهداف سیاست جنایی پیش‌گفته، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین (ICT) و پلتفرم‌های آنلاین به‌منظور تسهیل تعامل میان شهروندان و نهادهای رسمی، تحلیل داده‌های جرم و ایجاد سامانه‌های هوشمند پایش و ارزیابی عملکرد این سیاست است.
۴. هم‌چنین لازم است تا سازوکارهای ارزیابی عملکرد مبتنی بر شاخص‌های کیفی و کمی، با هدف افزایش شفافیت و پاسخگویی نهادهای انتظامی و قضایی در برابر جامعه مدنی، در این نوع از سیاست جنایی برقرار گردد.
۵. اجرای برنامه‌های آموزشی دوگانه؛ شامل آموزش‌های تخصصی برای مجریان قانون (قضات و نیروهای انتظامی) جهت پذیرش پارادایم‌های نوین و آموزش‌های عمومی برای ارتقای فرهنگ پیشگیری اجتماعی در میان شهروندان، از دیگر مؤلفه‌های کامیابی این نوع از سیاست جنایی به اهداف از پیش تعیین شده به‌شمار می‌رود.
۶. انجام مطالعات کیفی و کارآزمایی‌های میدانی در جوامع محلی نیز برای شناسایی ریشه‌های فرهنگی- اجتماعی جرم و تدوین راهکارهای پیشگیرانه متناسب با ساختار زیست‌بوم کشور ایران، می‌تواند از مؤلفه‌های مؤثر در سیاست جنایی مشارکتی به‌شمار رود.

منابع

- بیرانوند، رضا، و سبزیانفرد، شهرام. (۱۳۹۷). جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تأکید بر سیاست جنایی مشارکتی ایران. *تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ۱۱ (۳۹)، ۱-۲۴.
<https://sanad.iau.ir/fa/Journal/alr/Article/1057934>
- تاج لنگرودی، محمدحسن، و دهدار، فرزین. (۱۴۰۳). چالش‌های استفاده از رمزارزها در نظام حقوقی ج.ا.ایران. *حقوق فناوری‌های نوین*، ۵ (۹)، ۸۷-۱۰۷.
https://mtlj.usc.ac.ir/article_185452.html
- خدادوست، بهنام، قیوم‌زاده، محمود، و عطا‌زاده، سعید. (۱۳۹۹). سیاست جنایی تقاضامحور در جرایم مواد مخدر. *فقه و تاریخ تمدن*، ۲ (۶۵)، ۳۴-۴۱.
<https://sanad.iau.ir/Journal/jhc/Article/913419>



- خسروی نوری نژاد، مریم، سلیمی، صادق، و شریفی طرازکوهی، حسین. (۱۴۰۲). چالش‌های حقوقی مقابله با پولشویی ناشی از بیت‌کوین با نگاهی به قوانین و مقررات ایران. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۳(۴)، ۲۲۳۰-۲۲۷۵.

https://jpls.ut.ac.ir/article_95606.html

- خورشیدی کیاسری، سارا، نیکنام، امیرحسین، و همدانی، نرگس. (۱۴۰۴). ردیابی دارایی‌های دیجیتال در جرایم سایبری: چالش‌های حقوقی رمزارزها و فناوری بلاکچین. *حقوق سایبری*، ۱(۳)، ۴۴-۲۱.

https://www.jocl.ir/article_229904.html

- دشتی، بیتا، و افشاری، مریم. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی جرایم سایبری در ایران و حقوق بین‌الملل. *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، ۳(۴)، ۸۳-۱۱۰.

https://lps.journals.umz.ac.ir/article_2566.html

- ذبیح‌اله نژاد، وحید. (۱۳۹۷). ماهیت جرایم رایانه‌ای و مجازی (سایبری) و نقش پلیس فتا در پیشگیری و کشف این جرایم. *فصلنامه دانش انتظامی پلیس پایتخت*، ۳(۲۴)، ۸-۲۷.

- رجبی تاج امیر، ابراهیم. (۱۴۰۱). ضرورت اتخاذ سیاست جنایی هماهنگ بین‌المللی پلیس در مقابله با جرایم سایبری. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۵(۵۵)، ۱-۲۳.

<https://sanad.iau.ir/Journal/alr/Article/1058926>

- رضایی نیک‌آبادی، حسین، پاکزاد، بتول، و رحمت، محمدرضا. (۱۴۰۲). سیاست جنایی مطلوب در رویارویی با رفتارهای مجرمانه ناشی از رمزارزها در ایران با نگاهی به تنظیم‌گری در رویکرد جهانی. *پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست*، ۵(۲)، ۱۵۶-۱۷۲.

<https://csjlp.org/index.php/csajlp/article/view/307>

- زیبر، اولریش. (۱۳۹۰). *جرائم رایانه‌ای* (محمدعلی نوری، رضا نخجوانی، مصطفی بختیارون و احمد رحیمی مقدم، مترجمان). گنج دانش.

- غمامی، سیدمحمد مهدی. (۱۳۹۷). الگوی احیای حقوق عامه با تحول در نظام هنجارها و ساختارهای قضائی. *حقوق اسلامی*، ۱۵(۵۸)، ۷۱-۹۹.

https://hoquq.iict.ac.ir/article_34217.html

- فرزانه کندری، نرگس، ارجمندفر، محمدمتین، و تویسرکانی، امین. (۱۴۰۳). چالش‌های نظام عدالت کیفری ایران در مواجهه با رمزارزها و راهکارها. *حقوقی دگستری*، ۸۹(۱۳۰)، ۱۹۳-۲۲۰.

<https://ensani.ir/fa/article/628021>

- فهیمی، مهدی. (۱۳۸۰). جرایم رایانه‌ای و روش‌های مقابله و پیشگیری از آن. *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی*، ۲۳ و ۲۴، ۹۹-۱۱۱.

<https://www.ensani.ir/fa/article/8271>

- قلعه سلیمی، احسان. (۱۴۰۱). سیاست جنایی مشارکتی در فضای سایبر: از ضرورت و کارایی تا تدابیر اجرایی. *فصلنامه علمی جامعه، فرهنگ و رسانه*، ۱۱(۴۳)، ۲۷۳-۲۹۲.

https://www.jsbm.ir/article_156025.html

- کوچی، سعید، و داودی، ابراهیم. (۱۳۹۴). نقش آموزش کارکنان در پیشگیری از جرائم فضای مجازی (مطالعه موردی کارکنان فرماندهی انتظامی تهران بزرگ). *فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع)*، ۳(۱۳)، ۶۹-۸۹.





https://jpas.ihu.ac.ir/article_201017.html

- مرندی، الهه. (۱۴۰۰). سیاست جنایی مشارکتی در احیای حقوق عامه با بهره از سازمان‌های مردم نهاد. *دیدگاه‌های حقوق قضائی*، ۲۶(۹۶)، ۲۲۷-۲۵۸.

https://jlviews.ujssas.ac.ir/article_703700.html

- منصورآبادی، عباس، و منصورآبادی، علیرضا. (۱۴۰۳). *حقوق جرایم رایانه‌ای و مجازی* (چاپ اول). بنیاد حقوقی میزان.

- موحدی‌راد، عاطفه. (۱۴۰۵). تحلیل سیاست کیفری در مواجهه با جرایم مالی مبتنی بر فناوری بلاکچین. *مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، ۵۲(۵)، ۱۴۵-۱۶۰.

<https://civilica.com/doc/2647263/>

- نبوی، سیدمهدی، حقانی‌فر، سیدمحمدرضا، کیوانی، نوید رضا، و خراطها، محمدطه. (۱۴۰۳). چالش‌های نظام حقوقی ایران در تنظیم‌گری رمزارزها. *فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی*، ۱۷(۶۲)، ۷۲۰-۶۸۹.

<https://jmbr.mbri.ac.ir/article-1-2159-fa.html>

-- Arner, D. W., Barberis, J., & Buckley, R. P. (2017). FinTech, RegTech, and the reconceptualization of financial regulation. *Northwestern Journal of International Law & Business*, 37(3), 371-413.

<http://scholarlycommons.law.northwestern.edu/njilb/vol37/iss3/2>

- Bisinelli, R. (2018). *Bitcoin and Virtual Currencies – The point of view of a lawyer*.

<https://www.roedl.com/insights/bitcoin-virtual-currencies>

- Frankel, M. (2018). *How many cryptocurrencies are there?* The Motley Foo.

- Frankenfield, J. (2020). *Virtual currency*. Investopedia.

<http://www.investopedia.com>

- Merriam-Webster. (n.d.). *Cryptocurrency*. In Merriam-Webster.com dictionary. Retrieved May 10, 2022.

<https://www.merriam-webster.com/dictionary/cryptocurrency>

- Japparova, I., & Rupeika-Apoga, R. (2017). Banking business models of the digital future: The case of Latvia. *European Research Studies Journal*, 20(3A), 846-860.

- Kaspersky Lab. (2022). *What is cryptocurrency and how does it work?* <https://www.kaspersky.com/resource-center/definitions/what-is-cryptocurrency/>

- Rosencrance, L. (2021). *Compare NFTs vs. cryptocurrency vs. digital currency*. TechTarget.

<https://www.techtarget.com/whatis/feature/Compare-NFTs-vs-cryptocurrency-vs-digitalcurrency/>

- Saksonova, S., & Kuzmina-Merlino, I. (2017). *Fintech as financial innovation*.

- Smith, A. (1935). *Wealth of nations* (Vol. 1). Government Socio-Economic Edition.

- Schäffle, A. (1892). *The quintessence of socialism* (B. Thompson, Trans.). The Humboldt Publishing Co.

- Solntsev, S. I., Tugan-Baranovskiy, M. I., & Bilimivich, A. D. (2009). *Social theory of redistribution* (Monograph)

- Nakamoto, S. (2008). *Bitcoin: A peer-to-peer electronic cash system*. <https://bitcoin.org/bitcoin.pdf>